

ساختار فرهنگی، هنری و اقتصادی خانقاه‌ها در فرآیند رشد مریدان صوفیه ایلخانان ایران

چکیده

خانقاه به عنوان مرکز عرفان و تصوف ایرانی و اسلامی و بنایی مقدس، با کارکردهای گوناگون اجتماعی، فرهنگی، هنری، اقتصادی و سیاسی، به نوعی بازنمایی فرهنگ و تمدن ایرانی است. عصر ایلخانی به عنوان دوره‌ی گسترش تصوف و خانقاه‌سازی شناخته می‌شود. در این برهه خانقاه‌ها، مأمونی اجتماعی و فرهنگی و مکانی مقدس قلمداد می‌شدند که جای مدارس را گرفته و علاوه بر زهد و عبادت، برنامه‌های دیگری در آنها انجام می‌شد. در این مقاله تلاش شده است که از میان عوامل متعدد تأثیرگذار در پیدایش و رشد تصوف و خانقاه‌ها در دوره ایلخانان به مهم‌ترین آنها اشاره شود. در واقع پژوهش مذکور، تأثیر عوامل کلیدی در فرآیند گسترش صوفیان در دوره‌ی ایلخانان را بررسی می‌کند. از آنجا که نمی‌توان از نقش تصوف در دوره‌ی ایلخانان بر بناهای خانقاه‌های این دوره صرف نظر نمود، مطالعه‌ی معماری خانقاه‌ها، به منظور بررسی عوامل گسترش تصوف ایلخانی قابل توجه است؛ چرا که با مطالعه عوامل فرهنگی و هنری بناهای خانقاه‌ها می‌توان با ساختار آن در این برهه آشنا شد. روش پژوهش مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات به شیوه‌ی مطالعه‌ی منابع کتابخانه‌ای است و برای بررسی نقش بناهای خانقاهی در گسترش تصوف در دوره‌ی ایلخانان، به مطالعه عوامل فرهنگی و هنری بناهای خانقاه‌ها پرداخته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد معماری خانقاه‌ها و ساختار هنری آنها، ارتباط تنگاتنگی با اندیشه‌های عرفانی و صوفیانه داشته است و بررسی ساختار هنری و عناصر نمادین خانقاه نمایانگر ارتباط مستقیم آن با گسترش عرفان و تصوف در دوره‌ی ایلخانان است. در هنر معماری اسلامی، بسیاری از نمادپردازی‌ها منشأ عرفان و تصوف بوده است. رخدادهای فرهنگی و هنری خانقاه‌ها در رشد مریدان صوفیه در دوره ایلخانان مؤثر بوده و رواج تصوف در این دوره، پیوندی میان عرفان و تصوف و هنر دوره‌ی ایلخانی ایجاد کرد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی تأثیر مهم‌ترین عوامل در پیدایش و رشد تصوف و خانقاه‌ها در دوره ایلخانان.
۲. مطالعه معماری خانقاه‌ها و بررسی تأثیر آن در گسترش تصوف ایلخانی.

سؤالات پژوهش:

۱. معماری خانقاه‌ها و ساختار هنری آنها چه ارتباطی با اندیشه‌های عرفانی و صوفیانه داشته است؟
۲. بناهای خانقاهی چه تأثیری در گسترش تصوف در دوره‌ی ایلخانان گذاشته است؟

واژگان کلیدی: خانقاه، تصوف، دوره‌ی ایلخانی، معماری خانقاه‌ها.

خانقاه را با آداب و رسوم تصوف، معماری آن، فعالیت‌های دینی، موسیقی، کارکردهای گوناگون اجتماعی و فرهنگی آن، می‌توان معرف فرهنگ، ویژگی‌ها و شاخصه‌های ملی و دینی ایران دانست. همچنین خانقاه به عنوان بنایی مقدس، علاوه بر نقش خاص دینی، رویکردهای اجتماعی و اقتصادی نیز داشته است. در دوران ایلخانی شاهد گسترش تصوف و خانقاه‌سازی در این عصر بوده‌ایم. در این برهه، خانقاه‌ها مأمونی اجتماعی و فرهنگی بودند و با فعالیت‌هایی چون حمایتگری از فقیران و درماندگان، جای مدارس را گرفتند. بدین‌گونه، فعالیت‌های دیگری علاوه بر زهد و عبادت در خانقاه‌ها انجام می‌گرفت.

سیر رشد تصوف و ایجاد خانقاه‌ها را می‌توان معلول عوامل و زمینه‌های تاریخی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و هنری دانست. به نوعی هر یک متأثر از دیگری بوده و مانند زنجیره‌ای از علت و معلول در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. بعد از تهاجم مغول، با شرایط خاصی که در جامعه به وجود آمد، عرفان و تصوف رواج چشمگیری پیدا کرد. رواج تصوف در این دوره، پیوندی میان عرفان و تصوف و هنر دوره‌ی ایلخانی ایجاد نمود. همچنین وجود خانقاه‌ها به جهت بحران‌های اقتصادی زمانه و رخداد‌های فرهنگی در این بنای مقدس، در شکل‌گیری، ظهور و رواج تصوف و اندیشه‌های مذهبی و فلسفی تصوف مؤثر بوده است. در واقع در این دوره از تاریخ خانقاه‌ها و عوامل بروز آن‌ها بوده‌اند که رشد تصوف را تحت‌الشعاع قرار داده‌اند. پیوند عوامل فرهنگی، هنری و اقتصادی خانقاه‌ها با گسترش تصوف و رشد صوفیان در دوره‌ی ایلخانان رویه‌ای دو سویه دارد. همچنان که از دستاوردهای تصوف و گسترش آن، رشد خانقاه‌ها و رویکردهای فرهنگی، هنری و اقتصادی در خانقاه‌ها به شمار می‌آید، رشد خانقاه‌ها نیز به گسترش تصوف کمک کرده است. در نتیجه مطالعه و بررسی تأثیر این عوامل در فرآیند شکل‌گیری و گسترش صوفیان دوره‌ی ایلخانان حائز اهمیت است.

پیشینه‌ی مقالات و پژوهش‌ها با موضوع خانقاه و معماری خانقاه‌ها به دهه‌های اخیر می‌رسد. مقاله‌ی «عناصر نمادین در معماری خانقاه‌های ایران از سده‌ی هفتم هجری تاکنون» نوشته‌ی حامد رضا کریمی و ناصر گذشته (۱۳۹۶) به دنبال این هدف است که با گردآوری داده‌های میدانی از بناهای خانقاهی و آرامگاهی متصوفه، ضمن طبقه‌بندی نمادپردازی‌های آن‌ها از دیدگاه سنت‌گرایی دینی، تعریفی از هنر خانقاهی از سده‌ی هفتم هجری قمری تا دوران معاصر به دست دهد. در مجموع بر اساس داده‌های میدانی گردآوری شده در این تحقیق، بیشترین بازتاب‌های عناصر نمادین در حوزه‌ی معماری خانقاه، مرتبط با رنگ‌پردازی، استفاده‌ی نمادین از عدد و اندیشه‌های عرفانی است که به صورتی معنادار در بافت و ساختار خانقاه‌ها مشهود است و تاریخ تحولات تصوف در بسامد و تعیین گونه‌های این کاربردهای نمادین، دخیل بوده است (کریمی و گذشته، ۱۳۹۶). همچنین در مقاله «معماری گم‌شده: خانقاه در خراسان سده پنجم»، تألیف مهرداد قیومی و سینا سلطانی (۱۳۹۳) با روش تفسیری-تاریخی به مرحله‌ی نخست پیدایی خانقاه در زادگاه آن در ایران، یعنی در سده‌های نخست هجری در خراسان (ربع نیشابور) پرداخته می‌شود (قیومی و سلطانی، ۱۳۹۳).

در رابطه با تأثیر عرفان و تصوف بر هنر معماری در پژوهش «درآمدی بر تأثیر تصوف بر معماری ایران با رویکرد تاریخ فرهنگی» نوشته‌ی محمد یعقوبلو و احد نژادابراهیمی، رابطه‌ی تصوف و معماری با رویکردهای مختلفی بررسی شده

است. این مقاله با رویکرد تاریخ فرهنگی، به صورت واقع‌گرایانه و با استفاده از شواهد، به دنبال پاسخ به این سؤال است: تأثیر جریان فکری تصوف بر معماری ایران چگونه بوده است و چه نوع بناهای معماری را شکل داده است؟ نتیجه‌ی این تحقیق که با روش تاریخی-تفسیری انجام شده، بدین شرح است که تفکرات صوفیانه، رفتار و ارزش‌های آن‌ها باعث شکل‌گیری کلیات کالبدی‌های معماری می‌شود (یعقوبلو و ابراهیمی، ۱۳۹۸).

همچنین هادی استهری (۱۳۸۹) در مقاله‌ی «پیدایش و گسترش خانقاه در ایران»، در خصوص خانقاه و نحوه‌ی شکل‌گیری و گسترش آن در ایران پژوهشی انجام داده و معتقد است بیشتر کانون‌های خانقاهی، از دیدگاه صوفیان، مرکزی برای امر تعلیم و تربیت اسلامی بوده و تزکیه نفس نیز جایگاهی برای خویش‌شناسی و خدایابی و خداشناسی است. به علاوه استهری بیان می‌کند که تصوف در دوره‌ی ایلخانان دارای اهمیت بسیار است و اوج رواج و رونق تصوف و خانقاه‌سازی در این دور است (استهری، ۱۳۸۹). بنابراین با توجه به اهمیت خانقاه‌ها در تاریخ ایران، به خصوص در دوره‌ی اوج رونق خود یعنی دوره‌ی ایلخانان، لازم است بر دوره‌ی ایلخانی و نحوه‌ی شکل‌گیری و گسترش خانقاه‌ها در این دوره، تمرکز بیشتری صورت گیرد. همچنین ضروری است به دلیل فقدان تحقیقات انجام شده در باب تأثیر اندیشه‌های تصوف بر معماری خانقاه‌ها، مطالعات دقیق‌تری در این حوزه انجام گیرد. مقاله‌ی پیش رو در تلاش است در مسیر انجام این قسمت از مطالعات با روش کتابخانه‌ای گام بردارد.

نتیجه‌گیری

خانقاه به عنوان مرکز عرفان و تصوف ایرانی و اسلامی، به نوعی بازنمایی فرهنگ و تمدن ایران و معرف فرهنگ، ویژگی‌ها و شاخصه‌های ملی و دینی شناخته می‌شود. خانقاه به عنوان بنایی مقدس، علاوه بر نقش خاص دینی، رویکردهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیز داشته است. در دوران ایلخانان شاهد گسترش تصوف و خانقاه‌سازی در این عصر هستیم. در این برهه خانقاه‌ها، مأمونی اجتماعی و فرهنگی بودند؛ چرا که خانقاه تحول معنایی پیدا کرده و از مکانی برای عبادت به مکانی اجتماعی تبدیل شده بود. در این مقاله سعی شد به مهم‌ترین عوامل متعدد تأثیرگذار در پیدایش و رشد تصوف و خانقاه‌ها در دوره‌ی ایلخانان اشاره شود.

بعد از تهاجم مغول، با توجه به شرایط خاص اجتماعی زمانه و دگرگونی بنیادین زندگی، عرفان و تصوف بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. رشد و گسترش تصوف در این دوره به رشد خانقاه‌ها منجر شد و همچنین رشد خانقاه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی، هنری، اجتماعی و اقتصادی آن‌ها به رشد تصوف کمک کرد. در واقع رابطه‌ی تصوف و خانقاه، رابطه‌ای دوسویه و تعاملی بوده است. این رابطه‌ی تعاملی در دوره ایلخانان به سبب عوامل اجتماعی و اقتصادی منحصربه‌فرد مانند فقر مادی عامه‌ی مردم و بحران‌های اقتصادی، همچنین حمایت بزرگان ایلخانی از صوفیان، منجر به گسترش خانقاه‌ها شده و تصوف و عرفان، جهان‌بینی غالب این دوران گردید. این غلبه‌ی جهان‌بینی در عرصه‌های گوناگون چون شعر، موسیقی و معماری این دوره نمایان و قابل توجه است.

معماری خانقاه‌ها و ساختار هنری آن‌ها، با اندیشه‌های عرفانی و صوفیانه رابطه‌ی معنادار و تنگنگی داشته است. بررسی ساختار هنری و عناصر نمادین خانقاه‌های دوره‌ی ایلخانی حاکی از آن است که ارتباط مستقیم و پیوسته‌ای با عرفان و تصوف این دوره برقرار بوده است. مقاله‌ی حاضر ضمن مطالعه‌ی این ارتباط و بررسی معماری بناهای خانقاهی در دوره‌ی ایلخانان، تأثیر اندیشه‌های عرفانی بر معماری این دوره را مورد ارزیابی قرار داده و با روش کتابخانه‌ای بر روی

معماری خانقاه‌ها و تأثیر آن در گسترش تصوف ایلخانی متمرکز شده است. نتایج پژوهش مذکور حاکی از آن است که در هنر معماری اسلامی، منشأ بسیاری از نماد و نمادپردازی‌ها، عرفان و تصوف بوده و در ساختار هنری معماری خانقاهی در دوره‌ی ایلخانی، عناصر هنری نمادین تصوف و معماری اسلامی دیده می‌شود.

منابع

ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمان بن علی (۱۳۶۸)، تلبیس ابلیس، ترجمه: علیرضا ذکاوتی فراگوزلو، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

ابن خلدون (۱۳۶۸)، العبر (تاریخ ابن خلدون)، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

ابن بطوطه (۱۳۶۱)، سفرنامه‌ی ابن بطوطه، ترجمه: محمدعلی موحد، تهران: مرکز انتشارات علمی فرهنگی.

ابوالخیر، رشیدالدین فضل‌الله بن عمادالدوله (۱۹۴۰م)، تاریخ مبارک غازی، (داستان غازان‌خان)، به سعی و اهتمام و تصحیح کارل یان، هرتفورد: ستفن اوستین.

انصاری، قاسم (۱۳۸۲)، مبانی عرفان و تصوف، ج ۴، تهران: طهوری.

بخاری مستملی، اسماعیل (۱۳۶۳)، شرح‌التعرف لمذهب التصوف، ج ۵، به تصحیح محمد روشن، تهران: انتشارات اساطیر.

بن عثمان (۱۳۸۰)، مفتاح‌الهدایه و مصباح‌العنایه، به تصحیح منوچهر مظفریان، تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

بیانی (اسلامی ندوشن)، شیرین (۱۳۷۱)، دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

بیرونی، ابوریحان (۱۳۶۲)، تحقیق ماللهند، ترجمه: منوچهر صدوقی سها، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

پطروشفسکی، ایلیاولویچ (۱۳۶۲)، اسلام در ایران از هجرت تا پایان قرن نهم هجری، ج ۶، ترجمه: کریم کشاورز، تهران: پیام.

جامی، عبدالرحمن (۱۸۵۸)، نفحات‌الانس، به تصحیح ولیام ناسیوس، غلام عیسی موسوی و عبدالحمید موسوی، کلکته: مطبعه لیبی.

جوینی، عطا ملک‌بن محمد (۱۳۸۵)، تاریخ جهانگشای، ج ۱، به تصحیح محمد قزوینی، تهران: انتشارات دنیای کتاب. حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۷۵)، تاریخ عرفان و عارفان، چاپ سوم، تهران: انتشارات قومس.

دشتی، علی (۱۳۵۴)، در دیار صوفیان (دنباله پرده پندار)، تهران: جاویدان.

رن‌فرای (۱۳۸۱)، تاریخ ایران (از ظهور اسلام تا آمدن دولت سلجوقیان)، ج ۴، ترجمه: حسن انوشه، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹)، ارزش میراث صوفیه، ج ۶، تهران: امیرکبیر.

- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۵)، دنباله روزگاران از پایان ساسانیان تا پایان تیموریان، تهران: سخن.
- سمنانی، علاءالدوله (۱۳۸۵)، خمخانه وحدت، به تصحیح عبدالرفیع حقیقت، تهران: انتشارات کومش.
- سهروردی، شهاب‌الدین ابوحفص (۱۳۷۵)، عوارف المعارف، ج ۱، به تصحیح ابومنصور اصفهانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- سهروردی، شهاب‌الدین ابوحفص (۱۳۷۵)، عوارف المعارف، ج ۱، به تصحیح ابومنصور اصفهانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شریعتی، علی (۱۳۷۷)، تشیع علوی و تشیع صفوی، تهران: چاپخش.
- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۸)، آنسوی حرف و صوت (گزیده اسرارالتوحید)، تهران: سخن.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۹)، تاریخ ادبیات ایران، ج اول (خلاصه جلد اول و دوم)، تهران: فردوسی.
- غزالی طوسی (۱۳۹۰)، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیوچم، ج ۱، تهران: علمی و فرهنگی.
- فروهر، نصرت‌الله (۱۳۸۷)، سرچشمه‌های عرفان، ج ۱، تهران: افکار.
- قرمانی، احمدبن یوسف (بی تا)، اخبارالدول و آثار الأول فی التاریخ، بیروت: عالم‌الکتب.
- قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم (۱۳۷۴)، ترجمه رساله قشیریه، ترجمه: حسن بن احمد عثمانی، به تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کبری، نجم‌الدین (۱۳۶۸)، فوائج الجمال و فوائج الجلال، ترجمه: محمد باقر خراسانی، تهران: انتشارات مروی.
- کرمانی، اوحدالدین (۱۳۶۶)، دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی، به تصحیح احمد ابومحبوب، تهران: انتشارات سروش.
- کسروی، احمد (۱۳۳۹)، صوفیگری، تهران: انتشارات گوتنبرگ.
- کلاویخو، روی گونزالس (۱۳۶۶)، سفرنامه کلاویخو، ترجمه: مسعود رجب نیا، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- کیانی، محسن (۱۳۶۹)، تاریخ خانقاه در ایران، تهران: طهوری.
- لمبتن، آن ک.س (۱۳۸۲)، تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ج ۲، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: نشر نی.
- مرتضوی، منوچهر (۱۳۷۰)، مسائل عصر ایلخانان، چاپ دوم، تهران: انتشارات آگاه.
- مستوفی، حمدالله بن ابی بکر (۱۳۶۴)، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مقدم، علی [بی تا]، انسان شناخت، ج ۱، تهران: عطایی.
- مقریزی، تقی‌الدین احمدبن علی (۱۳۲۶ق)، خطط مقریزی: کتاب المواعظ و الاعتبار فی ذکر الخطط و الآثار. ج ۴، به کوشش شیخ احمد علی الملیجی، مصر، یاقوت حموی، ۱۹۵۶ _ ۱۹۵۷ م بیروت: معجم البلدان.
- نفیسی، سعید (۱۳۴۳)، سرچشمه‌ی تصوف در ایران، تهران: فروغی.

هجویری، ابوالحسن علی (۱۳۷۵)، کشف‌المحجوب، به تصحیح ژرژ کوفسکی و والتین آلکسی پریچ، تهران: انتشارات طهوری.

همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۹۴)، جامع‌التواریخ، ج ۱، تصحیح: محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران: مرکز پژوهش میراث مکتوب.

استهری، هادی (۱۳۸۹)، «پیدایش و گسترش خانقاه در ایران»، نیم‌سال‌نامه تاریخ نو، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، صص ۱-۱۷.

بهرامی‌نژاد، فاطمه، کابلی، محمدهادی (۱۳۹۸)، «مهندسی فرهنگی در شکل‌گیری الگوی معماری اسلامی»، مطالعات هنر اسلامی، سال شانزدهم، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۹۸، صص ۲۷-۴۶.

چرخیان، مریم (۱۳۹۸)، «تداعی‌های ذهنی در شناخت شاخصه‌های معماری اسلامی»، مطالعات هنر اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۹۸، صص ۷۰-۹۸.

داودی‌مقدم، فریده (۱۳۹۴)، «معرفی خانقاه‌های خراسان و کارکردهای آن‌ها»، فصل‌نامه مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان، صص ۹۳-۱۱۷.

زهره‌وند، حامد، فروتن، منوچهر (۱۳۹۴)، «عرفان اسلامی و آرایه‌های معماری: بررسی جامعه‌شناختی پیوند عرفان اسلامی و هنرهای تزئینی معماری ایران در دوره تیموری»، مطالعات محیطی هفت حصار، بهار ۱۳۹۴، شماره ۱۱، صص ۵-۱۸.

شایسته‌فر، مهناز (۱۳۸۱)، «بررسی محتوایی کتیبه‌های مذهبی دوران تیموریان و صفویان»، فصل‌نامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۴۳، صص ۵۸-۶۴.

شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۳)، «راه‌های انتشار یک شعر در قدیم»، مجله بخارا، ش ۳۶ خرداد، ۳۶-۶۱.

ظفرنویسی، خسرو (۱۳۹۶)، «بررسی مفهوم عرفانی «فضای تهی» در معماری اسلامی-ایرانی»، مطالعات هنر اسلامی، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۹۶، صص ۵۷-۷۴.

قیومی‌بیدهندی، مهرداد، سینا، سلطانی (۱۳۹۳)، «معماری گم شده: خانقاه در خراسان سده پنجم»، مطالعات معماری ایران، شماره ۶، زمستان ۱۳۹۳، صص ۶۵-۸۵.

کریمی‌ملایر، حامد رضا، گذشته، ناصر (۱۳۹۶)، «عناصر نمادین در معماری خانقاه‌های ایران از سده‌ی هفتم هجری تاکنون»، مطالعات عرفانی، شماره ۲۵، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص ۶۳-۸۴.

منتظر، بهناز، سلطان‌زاده، حسین (۱۳۹۷)، «بازتاب نقش پنج ضلعی منتظم در نقوش هندسی معماری اسلامی ایران»، مطالعات هنر اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۵-۴۰.

نجفی، عیسی، احمدی عالی بری، عسگر (۱۳۹۸)، «زیبایی از دیدگاه مولانا و انعکاس آن در محراب های زرین فام دوران ایلخانی»، مطالعات هنر اسلامی، سال شانزدهم، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۹۸، صص ۲۳۱-۲۵۸.

یعقوبلو، محمد، ابراهیمی، احدنژاد (۱۳۹۸)، «درآمدی بر تأثیر تصوف بر معماری ایران با رویکرد تاریخ فرهنگی»، معماری‌شناسی، سال دوم، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۹۸، صص ۱-۸.

امرای، حسین (۱۳۸۸)، «تصوف در دوره‌ی ایلخانان مغول»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد تاریخ، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی گروه تاریخ، ۱۳۸۸.

Chubby, J. 1997. "Chanukah". Encyclopedia of Islam. E. Van Denzel, B. Lewis and Ch.Pellat (Eds.). vol. 4. Leiden: Brill.